

انقباض هافقط برای غیر نجومی بگیران است



کاظم فرج الهی، فعال صنفی بازنشستگان

مزد کارگر قیمت نیروی کار او و بهای مصرف توان و نیروی جسم و جان اوست که در دوران سلامت و توانمندی، آن را در اختیار کارفرما گذاشته و کالایی تولید یا خدماتی ارائه داده است. با فروش این کالا یا خدمات، پس از کسر بهای مواد اولیه و دیگر هزینه‌های تولید، ارزشی برای کارفرما ایجاد می‌شود و بخشی از این ارزش به عنوان مزد به کارگر داده می‌شود. در تمامی روندها، تولید از تهیه مواد اولیه و... گرفته تا پایان پروسه تولید یعنی بسته‌بندی و حمل به محل مصرف و فروش، بدون تردید نیروی کار نقش و سهم مهمی در تولید ارزش ایجاد شده دارد، اما هنگام تقسیم سود، سهم او از این ارزش چقدر است؟

در روابط تولید کالایی، همه دعاوها بر سر تقسیم یا صاحب ارزش اضافی ایجاد شده است. در جوامع مدرن، دولت‌ها به مثابه حافظ و برقرار کننده نظم عمومی طی ساز و کارهایی ویژه مبلغی را به عنوان حداقل مزد یک کارگر ساده تعیین می‌کنند. مزد سایر کارگران بسته به میزان توانایی و تخصص و نقش آنها در روند تولید و متاثر از قدرت چانه‌زنی فردی و جمعی آنها، به نسبت‌هایی بیشتر از حداقل مزد توافق می‌شود. حقوق بازنشستگان اما متفاوت از روند گفته شده، طی قرارداد یا قانون سازمان‌های بیمه‌گر به نسبت مقدار و سال‌های بیمه پردازی محاسبه و تعیین می‌شود.

در اثر تورم، قدرت خرید و ارزش واقعی پس‌انداز و ذخیره‌های پولی مزدبگیران کاهش می‌یابد؛ پس اندازهایی که در بیشتر موارد هزینه‌های ضروری به تأخیر افتاده برای روزهای مبادای بیماری و تنگدستی است. نگاهی به نرخ‌های تورم و درصد افزایش حداقل مزد نشان می‌دهد که در طول سال‌های اخیر بجز چند مورد استثنا، درصد افزایش مزد به میزان معناداری از نرخ تورم واقعی کمتر بوده یعنی در این دوره مزد و حقوق‌بگیران با کاهش قدرت خرید فزاینده روبه‌رو بوده و هر سال فقیرتر از سال گذشته شده‌اند.

در ضمن، مزد و حقوق کارگران، قیمت فروش نیروی کار و تخصص و توانایی آنهاست. صدقه و احسان و نیکوکاری نیست که به توانگران کمتر و به نیازمندان بیشتر داده شود. دولت که قصد دارد به وظیفه خود عمل و از لایه‌ها و گروه‌های کم‌درآمد جامعه حمایت و عدالت را برقرار کند نباید جلوی ترمیم قدرت خرید کارگران متخصص و با تجربه را بگیرد. دولت می‌تواند و باید با استفاده از منابع عمومی کمک‌هایی را برای سطوح پایین درآمدی در نظر بگیرد. اگر دولت قصد دارد فاصله بین حداقل و حداکثر حقوق و درآمد را تعدیل کند باید از مدیران ارشد و دریافت‌کنندگان حقوق‌های نجومی شروع کند.

مسأله در مورد بازنشستگان نیز به همین ترتیب صادق است. در نظام سرمایه‌داری تمام یا دست‌کم بخش مهمی از حقوق دوران بازنشستگی نیروهای کار از محل حق بیمه پرداخت شده و در واقع پس‌انداز مستمر دوران اشتغال آنها تأمین می‌شود.

صندوق‌های بازنشستگی یا شرکت‌ها و سازمان‌های بیمه‌گر با دریافت و تجمع پس‌اندازهای مستمر بیمه‌شدگان و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مناسب و سودده، منابع لازم برای تأمین حقوق دوران بازنشستگی بیمه‌پردازان را تأمین می‌کنند. بنابراین روشن است که حقوق این دسته از بازنشستگان ارتباطی به دولت و بودجه دولتی و دلیلی برای دخالت و تعدیل دولت وجود ندارد.

از تأسیس و فعالیت تأمین اجتماعی به عنوان تنها صندوق بازنشستگی و سازمان بیمه‌گر غیردولتی بیش از نیم قرن می‌گذرد. این صندوق ماهانه معادل یک‌سوم مزد و حقوق کارگران را دریافت می‌کند. در نتیجه سیاست و دخالت‌های نادرست تمامی دولت‌ها امروزه سطح مزد و حقوق کارگران شاغل و بازنشسته به قدری ناکافی و پایین است که حتی نیمی از هزینه‌های زندگی با آن قابل تأمین نیست لذا در چنین شرایطی مطرح کردن بحث بازنشستگان سایر سطوح و محدود کردن افزایش مزد این گروه به ۱۰ درصد، غیرقانونی است.

تصمیم‌سازی هیات دولت به جای تمامی نهادهای سه‌جانبه

کاهش حق مسکن کارگران، غیرقانونی و قابل ابطال است



که قطعاً هیچ آورده‌ای برای جامعه کارفرمایی و کارگری ندارد و تنها نوعی دهن کجی به مصوبه سه‌جانبه شرکای اجتماعی را به ذهن متبادر می‌کند.

دولت حق کاهش

وافرایش حق مسکن را ندارد

«آرمین خوشوقتی»، کارشناس ارشد حقوق و روابط کار، در پاسخ به این پرسش، ابتدا به روند تعیین حق مسکن اشاره می‌کند و به این‌ها می‌گوید: بیست و یکم خرداد با حدود سه ماه تأخیر، بالاخره مبلغ کمک هزینه مسکن کارگران مشمول قانون کار به تصویب هیات وزیران رسید ولی متأسفانه این تصویب با اندکی مغایرت نسبت به قانون انجام شد. براساس قانون اصلاح طبقه‌بندی مشاغل و برقراری کمک هزینه مسکن کارگری که در سال ۱۳۵۹ به تصویب شورای انقلاب رسیده و

طی یک ماده واحد در سال ۱۳۷۰ اصلاح شده، این روند قانونی نیست. ماده ۲ قانون مصوب سال ۵۹، در سال ۱۳۷۰ تغییر کرد به این صورت که کمک هزینه مسکن، برای کارگران مشمول قانون کار، سالیانه توسط شورای عالی کار تعیین می‌شود و بعد به تصویب هیات وزیران می‌رسد. این ماده

شورای عالی کار مبلغ ۶۵۰ هزار تومان را طبق ماده ۲ قانون برای حق مسکن تعیین کرده و به هیات وزیران برای تصویب فرستاده‌اما حضور نداشته‌اند، شورای عالی کار این مبلغ را به ۵۵۰ هزار تومان کاهش داده و بعد به هیات وزیران فرستاده؟ جواب این سوال نیز «خیر» است. براساس دستورالعمل داخلی شورای

واحد در سال ۱۳۷۰ به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسیده و لاجرم در حکم قانون است. او ادامه می‌دهد: به موجب صراحت ماده ۲ قانون اصلاح قانون طبقه‌بندی مشاغل، مبلغ کمک هزینه مسکن باید توسط شورای عالی کار تعیین و بعد برای تصویب به هیات وزیران ارسال شود به این معنی که هیات وزیران، اختیار تعیین مبلغ ندارد، بلکه اگر هیات وزیران نظرش این است که مبلغ تعیین شده زیاد یا کم است، می‌تواند آن را به شورای عالی کار عودت دهد تا این شور را مبلغ را اصلاح کند. بنابراین هیات وزیران نمی‌تواند رسماً این مبلغ را تعیین کند چرا که صراحتاً در ماده ۲ اصلاحیه قانون ذکر شده «کمک هزینه مسکن توسط شورای عالی کار تعیین و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید». لذا طبق این قانون اگر زمانی هیات وزیران نظری در این خصوص داشت، مثلاً اینکه این مبلغ متناسب نیست، باید آن را بازگشت بدهد و منتظر تعیین مبلغ جدید توسط این شور ا بماند.

ممکن است مطرح شود که شورای عالی کار، با کاهش ۱۰۰ هزار تومانی حق مسکن موافقت کرده است و جامعه بی‌اطلاع است اما به گفته خوشوقتی، اعضای کارگری شورای عالی کار اعلام کردند مبلغی که توسط شورا تعیین شده، ۶۵۰ هزار تومان بوده و همه اعضای شورا پای این مبلغ امضا گذاشته‌اند.

کنشگران صنفی به

دیوان عدالت اداری شکایت کنند

این کارشناس حقوقی اضافه می‌کند: شورای عالی کار مبلغ ۶۵۰ هزار تومان را طبق ماده ۲ قانون تعیین کرده و به هیات وزیران برای تصویب فرستاده‌اما هیات وزیران به جای تصویب یا احیاناً عودت، خود مبلغ را تعیین کرده است که این رویه، خلاف قانون است. ممکن است این سوال پیش بیاید که آیا ممکن است در جلسه دیگری که نمایندگان کارگری حضور نداشته‌اند، شورای عالی کار این مبلغ را به ۵۵۰ هزار تومان کاهش داده و بعد به هیات وزیران فرستاده؟ جواب این سوال نیز «خیر» است. براساس دستورالعمل داخلی شورای

مصوبه هیات دولت در رابطه با حق مسکن کارگران در هیات عمومی دیوان عدالت اداری، قابل توقف و ابطال است و دیوان عدالت می‌تواند با ابطال این مصوبه، حق مسکن ۶۵۰ هزار تومانی را احیا کند

عالی کار، این شور ا ۱۱ عضو دارد که جلسات شورا با حضور حداقل دو نفر از اعضای کارگری و دو نفر از اعضای کارفرمایی رسمیت می‌یابد. با این حساب، اگر احیاناً جلسهای بدون حضور اعضای کارگری برگزار شده باشد، رسمیت ندارد و فاقد وجهت قانونی لازم است. خوشوقتی می‌افزاید: از یک طرف شورای عالی کار بدون حضور اعضای کارگری (لااقل دو نفر) رسمیت پیدا نمی‌کند و از طرف دیگر، اعضای کارگری این شور را به صراحت اذعان دارند که مبلغی که در شورا برای حق مسکن تعیین شده، ۶۵۰ هزار تومان بوده است، بنابراین با قاطعیت باید گفت مبلغ تعیین شده برای حق مسکن کارگران، همان ۶۵۰ هزار تومان است و برای کاهش آن نیاز به تصویب مجدد شورای عالی کار و صورت جلسه این شور ا داریم.

خوشوقتی با تأکید مجدد بر اینکه «حق مسکن ۵۵۰ هزار تومانی با قانون انطباق ندارد و مغایر قانون است»، می‌افزاید: به نظر می‌رسد مصوبه هیات دولت در رابطه با حق مسکن کارگران در هیات عمومی دیوان عدالت اداری، قابل توقف و ابطال است و دیوان عدالت می‌تواند با ابطال این مصوبه، حق مسکن ۶۵۰ هزار تومانی را احیا کند. کنشگرانی که در این حوزه فعالیت دارند، با تقدیم دادخواست به هیات عمومی دیوان عدالت اداری می‌توانند نسبت به ابطال مصوبه هیات وزیران که در هجدهم خردادماه سال جاری، مبلغ کمک هزینه مسکن کارگران را راساً تعیین کرده، اقدام کنند.

او در پایان می‌گوید: به نظر می‌رسد این مصوبه در هیات عمومی دیوان عدالت قابل ابطال باشد چون به لحاظ شکلی (شکل موضوع)، روش قانونی تعیین مبلغ رعایت نشده و لذا برخلاف قانون است. امیدوارم قضات محترم هیات عمومی دیوان به این موضوع ورود کرده و اجازه ندهند در این شرایط اقتصادی، ۱۰۰ هزار تومان از مزد کارگران کاسته شود.



جلوگیری شود تا مدیران و کارکنان این سازمان ضمن مشورت با افراد برجسته و نخبه بازنشسته مشمول قانون تأمین اجتماعی که شناخته شده هم هستند، به اداره امور این سازمان بپردازند. ۴- برای برون‌رفت از چالش هان نسبت به تکمیل متناسب‌سازی و تصویب لایحه دائمی‌سازی متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان اقدام شود.

به گفته وی، در تبصره ماده ۲۷ قانون کار تکلیف مباحث درون کارگاهی و اختلافات مشخص شده و مواردی که از صلاحیت کمیته انضباط کار خارج است، تکلیف ارشادی شده است، بنابراین کارفرما حق هیچ نوع برخورد با کارگر را ندارد حتی برخورد لفظی چه برسد به بیل کشیدن به روی کارگر!

مشاور حقوقی کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور می‌افزاید: توهین و ضرب و شتم مذکور، اهانت به ستون فقرات جامعه است. پیشنهاد می‌دهم تشکل‌های کارگری استان گلستان ضمن حمایت از کارگر مضروب، با نشان دادن تنظیم شکوائیه از طریق مراجع قضایی ارشاد کنند و موضوع را تا انتها پیگیری کنند، ضمن اینکه توضیحات و توجیهات شهردار علی‌آباد کنول نیز به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست. کمال تأسف دارد که یک شهردار، چنین دیدگاهی نسبت به مسائل روابط کار داشته باشد. هر کاری کارگر کرده، چنین برخوردهایی به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست.

۱- ترمیم حقوق بازنشستگان ذی‌حق تأمین اجتماعی در سال ۱۴۰۱ مستند به مصوبه هیات امناء هیات مدیره سازمان تأمین اجتماعی و شورای عالی کار، اجرایی شود.

۲- از ارائه بسته معیشتی به بازنشستگان ذی‌حق تأمین اجتماعی به جای حق و حقوق قانونی آنان و تسدوم انجام امور این بازنشستگان به رویه‌های مرسوم در سازمان‌ها و نهادهای خیریه حمایتی و امدادی خودداری شود که توهینی آشکار به بازنشستگان عالی‌مقام و زحمتکش شریف‌بوده که عمری را با سرفرازی و شرافت در راه خدمت به مردم و پیشرفت کشور گذرانیده‌اند.

۳- به استقلال سازمان تأمین اجتماعی احترام گذاشته و از مداخله در امور این سازمان توسط هر شخص حقیقی و حقوقی

صندوق آن مخالف هستیم. بازنشستگان مشمول سازمان تأمین اجتماعی مالکان این سازمان هستند و داشته‌های امانت‌گذاری شده در تأمین اجتماعی حقوق قانونی آنان است که حق الناس است و اموال دولتی نبوده و اموال و دارایی‌هایی که در نزد سازمان تأمین اجتماعی سپرده گذاری شده به تناسب مشارکت بازنشستگان در بیمه‌پردازی متعلق به آنان است و تأمین اجتماعی و ارکان آن از منظر علم حقوق، سمت و کالت بازنشستگان را دارد که از الزامات وظیفه‌ای و کیل حفاظت از منافع بازنشستگان مشمول و اقدام در جهت منافع یکایک آنان است».

این بیانیه در پایان یک بسته پیشنهادی نیز ارائه داده که در این بسته پیشنهادی آمده است:

ضرب و شتم یک کارگر، مصداق هتک حرمت تمامی کارگران است



بی‌غیبتی بدون هماهنگی که داشته توسط کارفرما تعلیق شده اما مجدداً به شهرداری مراجعه کرده و گویا برای گرفتن مطالباتش با پیمانکار مجادله لفظی داشته و پس از بالا گرفتن درگیری، به همسر پیمانکار که در محل حضور داشته حمله کرده و به صورت او سیلی زده است. سپس برادر پیمانکار نیز با بیل به کارگر حمله کرده و آن فیلمی که در فضای

می‌شود سعی دارد در عید متخلف را به ضرب چوب تنبیه کند. اما چرا چنین برخوردهایی هنوز وجود دارد و جایگاه و شان کارگران تا آنجا پایین آمده که یک پیمانکار جزء در یک شهرداری، به ضرب و شتم کارگر می‌پردازد و چطور به این راحتی «احترام کارگری» زیر پا گذاشته می‌شود؟

البته بعد از بروز حادثه، شهردار علی‌آباد توضیحاتی ارائه کرد که به نظر عذر بدتر از گناه می‌آید. شهردار علی‌آباد کنول گفت: شایعه اخراج کارگر صحت ندارد اما هر دو نفر یعنی پیمانکار و هم کارگر فعلاً تعلیق شده‌اند تا ماجرا کامل و به صورت دقیق بررسی شود.

کوهستانی گفت: این کارگر پیش از این هم چندبار بی‌نظمی‌ها و غیبت‌هایی داشته که کارفرما به او اخطار داده است. او می‌گوید: در آن روز هم در

هفته گذشته، فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که افکار عمومی را جریحه‌دار کرد؛ فیلمی چند دقیقه‌ای که نشان می‌دهد برای برخی کارفرمایان و پیمانکاران، کارگر فقط ابزاری است برای کسب سود بیشتر.

به گزارش ایلسا، در این ویدئو، پیمانکار شهرداری علی‌آباد کنول بابل به دنبال یک کارگر می‌افتد و او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. صدای ناله‌های کارگر به آسمان بلند است و پیمانکار مربوطه او را تا داخل ساختمان تعقیب می‌کند و در همین حین باییلی که در دست دارد، ضربه‌های مدام به پشت کارگر بینوا می‌زند.

این نوع برخورد خشونت‌بار با کارگری که شافل در یک مجموعه است، به راستی مایه تأسف است. در این کلیپ کوتاه، کارفرما در هیات «ارباب» ظاهر